

یا جشنواره

نگاهی به نمایش «پنج‌پچه‌های پشت خط نبرد»

جنگ و ظرافت‌های حقیقی

رضا آشفته

● پنج‌پچه‌های پشت خط نبرد را برای اولین بار هفده سال پیش در جشنواره دانشجویان دیدم و در همین تالار مولوی که این روزها اشکان خیل‌نژاد آن را به صحنه برده بود، البته علیرضا نادری بعد از هفت سال انتظار موفق شد آن را در سال ۸۱ در تالار قشقایی اجرای عمومی کند.

پنج‌پچه‌های پشت‌خط نبرد در رمضان سال ۶۱ و آتش‌ریس چند روزه می‌گذرد. تعدادی سرباز ایرانی با گرایش‌های مختلف اعتقادی و مذهبی و در کنار هم قرار گرفته‌اند. ما شاهد شوخی‌ها و دردها و بیچارگی‌ها و داشته‌ها و نداشته‌هایشان هستیم.

اجرای علیرضا نادری با توجه به درک ماجرا و نزدیکی به زمانه جنگ ویژگی دیگری داشت. یعنی در آن رئالیسم یا ناآرالیسم جنگ بیش‌تر موج می‌زد تا این اجرای خیل‌نژاد که مینی‌مالیسم و تصویرگرایی را هدف ارایه آن قرار داده است. او به لحاظ اندیشه نیز انتکابی به متن ندارد بلکه هدفش نگاه تند و تیز و حتی پارودیک به جنگ است. نگاهی که آبرودار همه‌چیز را به ویرانی می‌کشد چراکه قرار است جنگ با آن چهره رشت‌ارایه شود. بالاخره دشمن در آن سوی، دل به حال این جوانان نگون‌بخت نمی‌سوزاند و در عرض یک آن همه اینان را با پرتاب موشک یا خمپاره و گلوله توپی از پای درمی‌آورد. سایه مرگ بالای سر اینان است اما این آتش‌پس است که آنان را به تفریح و بگومگو فراخوانده‌است.

علیرضانادری جنگ را با ظرافت‌های حقیقی‌اش نمایان می‌ساخت. البته چاره هم نداشت. نگاه آژمان‌گرایانه مانع از ورود به آسیب‌های ناشی از جنگ می‌شد. اما با گذشت زمان حتی مخالفان نیز قانع شدند برای درک بهتر جنگ و حتی ارایه دافع و آمادگی بهتر پرداختن به آسیب‌ها خود یک راه‌حل اساسی است چرا که در ایران هم جنگ همچنان زشت و ناشایست است و مملکت ما نیز هیچ‌گاه جنگ‌طلب نبوده‌است.

اشکان خیل‌نژاد درست یکسال پس از پایان جنگ تحمیلی تازه چشم بر دنیا گشوده است و حالا می‌خواهد نظری بر آن وضعیت بین‌نژاد و خوش‌بختانه متنی را در دست گرفته که ریشه در همان واقعیت‌های تلخ دارد اما متکی به متن نیست. یعنی در اجرا بر آن است تا تاولی و نظرگاه شخصی‌اش از جنگ و روابط انسانی را عرضه کند. متن علیرضانادری هم این قابلیت را دارد که خارج از زمان و مکان همچنان به عنوان متنی برآورده شده از دل جنگ مورد ارزیابی و اجرا قرار گیرد. بنابراین انتخاب متن این امکان را به خیل‌نژاد داده است تا درباره جنگ حس و نظرش را مورد مذاقه جمعی قرار دهد.

در دو سه اجرای خیل‌نژاد مینی‌مالیسم رفتاری یک رکن است و اتکای به تصویر و قابلیت ارایه اثر در مسیر با داده‌ها و برداشت‌های غیرمستقیم‌رکنی دیگر، او کارگردانی است که هوشمندانه مهرهایش را می‌چیند و می‌داند که چه فضایی آنان را به بازی و بازخوانی یک مفهوم فرا بخواند. بنابراین در نهایت محتوا نیز برایش مهم خواهد بود و گرنه چرخ گوشت را در دست می‌گرفت و یک چیز دیگر را از متن علیرضا نادری بیرون می‌کشید. بازیگران هم بر آن هستند تا بازی روان و بدون اغراقی را ارایه کنند. یعنی طبیعی باشند و زیاد جنب و جوش نکنند که با رفتارهای درشت شده، دیده شوند. بعضی‌ها تکاپوی در دست‌ر و اندیشمندانه‌تری را دارند. نوید محمدرزاه یکی از آنان است که می‌داند در این مسیر، هدف ارایه نقش است و نه نمودار شدن یک بازیگر، او به جنگ با خود می‌شناید و نتیجه ارایه یکی از تکنیکی‌ترین بازی‌هاست. البته علیرضایی که محمدرضا سعادت‌مند در کار علیرضانادری ارایه کرد، جلوه بارزتری به لحاظ حسی داشت و او به گونه‌ای دیگر در ارایه و برون‌کنی واقعیت یک شخصیت تلاش می‌کرد. شاید هم این دلبستگی شخصی من است که آن اجرا را عجین‌تر با زمانه خودش می‌دیدم. این اجرا زیباتر است چون با تمهیدات و تکنیک‌های غالب‌تر در صحنه هویدا شده و آن اجرا درمنداغ‌فاه بود چرا که بازیگرش در لمس جنگ و شرایط جنگی نظرگاه‌های مغفول‌تری داشتند. در آنجا مخالفت با جنگ این طور نبوده که به شوخی و مضحکه گرفته شود چون همه ما دیده بودیم که جنگ فقط تلخ است. اما الان شرایط اجتماع هم می‌طبد که بگویم و بداییم جنگ زشت است، چرا که حالا هدف ارایه آن دوره هست‌نمی‌انست. هر چه نگوئسیم آن دوران در صحنه هویدا نخواهد شد مگر بازیندگان جنگ در صحنه قرار بگیرند و با همان حس و حال به واگویه دقیق درمندانیه بپردازند و ما را مجاب به دیدن و شنیدن کنند که آن هم شاید نوعی تئاتر مستند باشد که متناقضه در ایران ما چنین بازیگری‌هایی وجود ندارد. صحنه اشکان خیل‌نژاد بر خلاف صحنه علیرضا نادری تقریبا خالی‌تر است. علیرضا می‌کوشید تا توهم واقعیت جنگ را ایجاد کند اما خیل‌نژاد به دنبال ارایه تصویر و شمایی از یک جنگ است. حالا قسمت است که در این جنگ آدم‌ها نماد و نشانه‌های فرهنگ ایرانی را نیز نمایان کنند. بنابراین او از ایجاد ارتباط حسی و نوستالژیک پرهیز می‌کند و به گونه‌ای دیگر بر آن است که تماشاگر فقط بیندیشد که چه در یک جنگ می‌گذرد و اسلن چگونه به فنا می‌رود. تنها یادگار باقی‌مانده از جنگ یک عکس است که آن را هم بر رویز گرفته و با خود به تهران برده و در روزهای مرخصی چاپ کرده و حالا به سرر قرار گاهش بر کشته اما هیچ نشانی از آن موجودزنده نیست. این است که خالی شدن فضا از حس و حال انسانی که کلی التهاب و هیجان داشت، یکباره سرد و نافذ بدن را منجمد نگه می‌دارد. اشکان خیل‌نژاد در انتخاب بازیگرانش موفق است اما باید در تکاپوی برخی از آنان تلاش بیشتری کند. دو نقش شهیرای و یوسف که هر دو نیاز به صرف انرژی بیشتری دارند. در این هم‌اوردی آدم‌ها نیاز به آن است که همه یکسان دیده شوند. ولو اینکه به دلایلی برخی از جمع طرد شده باشند.

شرق: مجموعه «ویلاي‌من» به کارگردانی و با بازی «مهران مدیری» در حالی سوم بهمن به عنوان چهارمین مجموعه تلویزیونی رسانه‌های صوتی تصویری به بازار می‌آید که به نظر می‌رسد؛ با آنکه ویدیو رسانه‌ها در این اقدام جدید خود موفق نبودند اما نمی‌خواهند این روند را متوقف کنند. در میان سه سریال قلب‌بخي، قهوه تلخ و ساخت ایران این قهوه تلخ بود که توانست جای خود را در میان خانه‌های ایرانی باز کند و براساس آماری که هیچ‌گاه از سوی سازندگان آن تایید نشد سودی میلیاردی از فروش دی‌وی‌دی‌های این مجموعه نصیب تهیه‌کننده و البته کادر سازنده آن شد. اما این مجموعه در شکل ساخت و نحوه ارایه با مشکلات بسیاری روبه‌رو شد و باعث شد تا علاقه‌مندان به این مجموعه با افت‌وخیزهای زیادی برای دیدن این مجموعه روبه‌رو شوند و در نهایت نیز این مجموعه که قرار بود در ۹۰ قسمت روانه بازار شود، در نیمه راه به پایان نرسید و مهران مدیری که خود در سریال ناکام دیگر یعنی قلب‌بخي به عنوان بازیگر حضور دارد، سریال دیگری به نام ویلاي‌من را با بخشی از عوامل مجموعه قهوه تلخ آغاز کند. مجموعه‌ای که قرار است با دو دوبله ترکی و کردی و سه زیرنویس عربی، فارسی و انگلیسی از سوم بهمن به شکل گسترده در سراسر کشور توزیع شود. مهران مدیری «ویلاي‌من» را در روزهای پایانی تصویربرداری قهوه تلخ آغاز کرد. زمانی که شایعات زیادی منتشر شده بود که او از ساخت ادامه قهوه تلخ منصرف شده است و قصد دارد مجموعه

را به نوعی به پایان برساند. شایعه‌ای که هر چند با تکذیب روبه‌رو شد، اما با پایان نگرفتن این مجموعه آن را تایید کرد. البته مهران مدیری بعد از انتشار خبرهای ساخت این مجموعه جدید با انتشار دی‌وی‌دی رایگان به‌شيوه خود از دلایل ادامه نیافتن این مجموعه گفت. او در این گفت‌وگوی یک‌طرفه گفته: «دو سال پیش که اساسا شبکه خانگی اختراع شد، دو سه سال پیش، هیچ‌کس نمی‌دانست این کار این‌قدر سخت و پیچیده



عکس: سینا نورمحمد

است، یعنی از صفر تا صد این مسیر این‌قدر سخت و پیچیده است. موضوع قاجاق، موضوع لو رفتن DVD، موضوع نظارت کیفی و فنی، موضوع تولید این کار، موضوع تبلیغات و اطلاع‌رسانی، موضوع تکثیر و از همه سخت‌تر موضوع توزیع و پخش این کار در سراسر ایران، در هزاران هزار سوپرمارکت به فاصله از صبح تا شب، موضوع وقفه نیفتادن در پخش، موضوع نظم هفتگی این کار. وقتی واردش شدیم فهمیدیم چقدر

مجموعه «مدیری» سوم‌بهمن به بازار می‌آید

درس‌های «ویلاي‌من» از آزمون و خطای «قهوه تلخ»

سخت و پیچیده است. همه سعی‌مان را کردیم. ۱۰۲ قسمت از قهوه تلخ ساخته و پخش شد. فقط چهار قسمت آخر ماند، شش قسمت آخر، ببخشید، یعنی دو مجموعه، یعنی می‌شود گفت فقط فینال این کار ماند که به مشکل برخورد. ۱۰۲ قسمتش پخش شد. اما این کار باید تمام می‌شد و باید به تعهدات خود عمل می‌کرد. اما این سختی‌ها برای ما به عنوان اولین تجربه شبکه‌خانگی پر از آزمون و خطا بود.»

این مشکلاتی بود که «محمدحسین لطیفی» نیز بعد از نیمه‌کاره رها شدن قلب‌بخي به آنها اشاره کرد و حضور چهره‌هایی چون هدیه تهرانی، مهران مدیری، رضا عطاران و کارگردانی «سامان مقدم» نتوانست چنان‌چه باید و شاید در عرصه مخاطبان جای خود را باز کند.

حالا مدیری می‌گوید که مشکلات کار را فهمیده‌اند و برای این دست به ساختن این مجموعه زده است. مجموعه‌ای که موسسه «گل‌رنگ» رسانه سرمایه‌گذار و مجری طرح این سریال است و اهدای جوایز نیز با ضمانت این موسسه صورت می‌پذیرد. سیامک انصاری، برزوراجمند، کمندامیرسلیمانی، رایعه‌اسکویی، ماندانا سوری، الیکا عبدالرراقی، رضا فیض نوروزی، هادی کاظمی، علی لک پوریان، عارف لرسستانی و نگین معتمدی در این سریال بازی می‌کنند.

یادداشت روز

جشنواره‌ها و لکنت در بودجه تئاتر



بهزاد فرهانی

نگاه خوشبینانه‌ای به جشنواره‌ها ندارم چون کار ریشه‌ای انجام نمی‌دهیم. فکر می‌کنیم این جشنواره با تبادل سلیقه و افکار روی هم اثر می‌گذارند و در شهرستان‌ها هم کارهای زیرساختی و آموزشی انجام نمی‌شود. این جشنواره‌ها جز لکنت در بودجه تئاتر هیچ اثر دیگری ندارند. گفته می‌شود که یک فوت‌بالیست هفت میلیارد ریال دستمزد دارد اما اگر دستمزدهای همه هنرمندان تئاتر و سینما را هم روی هم بگذارید به ۱۰ میلیارد ریال نمی‌رسد. پس تئاتر با بودجه‌ای که در نهایت سه میلیارد ریال خواهد بود چه اثر گذاری خواهد داشت؟ اجرای سیاست‌های کلان هنری، آده‌های دلسوز می‌طلبید نه کسی که دستش در آتش هنر گرم نشده باشد. به همین نسبت جشنواره‌های تئاتر هم احتیاج به حمایت و دلسوزی بیشتری دارند و گرنه هیچ تأثیری نخواهند گذاشت، نیازهای فرهنگی و هنری کشور انتخاب نمی‌کنند. مثلا در بخش بین‌الملل جشنواره، آثار کشورهای دیگر با سلیقه انتخاب می‌شود و این سلیقه‌ها بیشتر اوقات از سوی کسانی است که تئاتر را براساس نیازهای فرهنگی و هنری کشور انتخاب نمی‌دهند، از سوی دیگر این انتخاب‌ها ثابت نیستند مثلا برای دعوت از گروه‌های بین‌الملل یک‌دفعه با یک گروهی در صدر تئاتر جهانی قرار ملاقات می‌گذاریم با برعکس

تماشاخانه

دعوت به تماشای نمایش هملت

پیرامون یک «ستاره»



رضا حداد

نباید کار جوان‌ترهایی که این روزها چراغ تئاتر کشور را روشن نگاه داشته‌اند از دست داد. یکی از این اتفاقات که ترکیبی از سال‌ها تجربه و تلاش محمد چرمشیر، نوجویی رضا گوران و همراهی گروهی از بازیگران خلاق تئاتر ایران است، بازخوانی کاملاً ایرانی از نمایشنامه مشهور ویلیام شکسپیر است. «هملت» که این روزها در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه رفته انگار از دالان فرهنگ شرقی – به ویژه ایرانی – به هستی و حیات خود نگاه می‌کند. تجربه اجرایی بر مبنای زیبایی‌شناسی نگارگری ایرانی، تئاتر کابوکی و قلمرویی شاعرانه که روح تماشاگرانش را



نوازش دهد و گاه خراشی می‌نشانند؛ انگار در این جهان مرکب از گذشته و حال، سنتی و مدرن، حاضر و غایب، درجعه‌ای هست تا از منظر اقلیای – این زنانگی مظلوم جهان مرسل‌سالانه تاریخ ادبیات نمایشی – به روایت هملت و پدرش گوش بسپاریم. ستاره این صحنه، ستاره‌ای یگانه از قلمرو توانایی‌های باورنکردنی در بازیگری است. ستاره‌ای که با تمام جوانی‌اش کوله‌باری از تجربه و شعور تئاتری را در بازی‌اش عرضه می‌کند. ستاره‌ای که نامش هستاره پسایی» است. نامی که بر آسمان تئاتر این کشور باید بیش از اینها شاهد نورافشانی‌اش نیز باشیم. او معصومیت و رنج و هراس و زیبایی و شکست و جنون اقلیا را یکجا دارد و البته نمی‌توانم در اجرای هملت از حضور موفق «دربوش موفق» هم سخنی بگویم. دیدن این اجرا به عنوان تجربه‌ای متفاوت در حوزه کارگردانی و نگاهی دیگر‌گونه به هملت پیشنهادی تردین‌پذیر است. به ویژه آنکه بخواهید بازی ستاره پسایی را به عنوان یک خط تکرار ناشننی در تماشاخانه ایرانشهر شهادت دهید.

سرخط

فیلم «جاذبه» به کارگردانی «آلفونسو کوارون» و با بازی «جورج کلونی» و «ساندرا بولاک» اکتبر ۲۰۱۳ به سینماها می‌آید.
ایسنا:مدیر اداره کل هنرهای نمایشی خبر داد که تمام گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره سی‌ویکم تئاتر فجر، پیش از شروع جشنواره کمک‌هزینه‌های خود را کامل دریافت می‌کنند.
مهر: فیلم سینمایی «به حبه قند» به کارگردانی سیدرضا میر کریمی بهمن‌ماه‌در جشنواره جیمسون دوبلین ایرلند روی پرده می‌رود.
نکوداشت مش اسماعیل – هنرمند مجسمه‌ساز ایرانی – سوم بهمن‌ماه در نگارخانه برگ برگزار می‌شود.

بر فروش‌ترین فیلم‌های هفته مشخص شد

«سی دقیقه پس از نیمه‌شب» در صدر

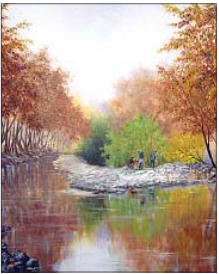
ساسان کلفر: «سی دقیقه پس از نیمه‌شب» به کارگردانی

کاترین بیگلو با ۲۴میلیون دلار فروش در مدت سه‌روز آخر هفته میلادی گذشته در صدر جدول فروش آمریکای شمالی ایستاد. این در حالی است که «هندووقعی رنج» فیلم پیشین کاترین بیگلو، با وجود موفقیت در جوایز اسکار نتوانست مورد اقبال تماشاگران قرار بگیرد و گیشه موفق‌ی نداشت. در همین حال جسیکا چاستین، بازیگر این فیلم نتوانست در شب اهدای جوایز گلدن گلوب، جایزه بهترین بازیگر زن درام را از آن خود کند. احتمال می‌رود «سی دقیقه پس از نیمه شب» که فیلمی است درباره کشتن بن‌لادن جایزه اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را نیز نصیب خود کند.

پیشنهاد روز

نمایشگاه «مینا صارم» افتتاح شد

شرق: نمایشگاه نقاشی «مینا صارم» در نگارخانه «فجر» اداره کل ارشاد استان البرز افتتاح شد. مینا صارم ۳۵ اثر خود را از امروز در معرض دید عموم قرار داده است. همه این آثار در قالب نقاشی‌های رئال از طبیعت هستند که با تکنیک رنگ روغن ترسیم شده‌اند و تا دوم بهمن‌ماه برای بازدیدید عموم در نگارخانه فجر ارشاد استان البرز به نمایش در خواهند آمد. مینا صارم در حاشیه برپایی این نمایشگاه گفت در این آثار تلاش شده است تا زوایای مغفول‌مانده طبیعت بکر استان البرز به تصویر کشیده شود، طبیعتی که می‌تواند الهام‌بخش خلق آثاری ماندگار در رشته‌های مختلف هنری بالاخص هنر نقاشی شود. صارم در ادامه این گفت‌وگو اظهار کرد: حدود هشت سال کشیدن آثار این نمایشگاه به طول انجامیده است و تلاش شده تا بهترین آثارم برای برپایی این نمایشگاه انتخاب شود. آثار مینا صارم را می‌توانید از ۲۵ دی‌ماه تا دوم بهمن از ساعت ۱۲ الی ۱۷در محل نگارخانه فجر اداره کل ارشاد اسلامی استان البرز تماشا کنید.



فیلم کلاه‌قرمزی و بچه‌منه که بدون تعدیل اکران سینما شده بود با حذف چند دیالوگ وارد موسسه رسانه‌های خانگی شد.



عکس روز

مهرماه ۱۳۹۱ شرکت فرهنگستان ایران نوبت اول آگهی مزایده عمومی شماره ۹۱/۱۱ منطقه لاوان	
برگزار کننده مزایده	شرکت نفت فلات قاره ایران
مورد مزایده	فروش لوازم حفاری و مازاد و مستعمل
مقدار / میزان	۱۳۴ عدد
محل بازدید و تحویل کالا	منطقه لاوان
نرخ پایه کارشناسی	۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۲ ریال
محل دریافت اسناد مزایده	تهران - خیابان ولی عصر (عج) - بالاتر از مسجد بلال - نرسیده به تقاطع شهید مدرس - کوچه خاکزاد - پلاک ۱۲ - واحد فروش - طبقه ۲ - اتاق ۷/۰۳
مهلت دریافت اسناد	از اولین روز آگهی تا ۷ روز پس از انتشار نوبت دوم آگهی
تلفن های تماس	۲۳۹۴۲۷۲۱ ۲۲۶۶۴۲۶۳ ۲۳۹۴۲۷۳۱
روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران	